

تاریخ 22/08/2008

نویسنده: کاندیدای اکادمیسین سیستانی

وطن و حب وطن از نظر علامه محمود طرزی



علامه محمود طرزی

از طریق اعلامیه بنیاد فرهنگی محمود طرزی، اطلاع حاصل نمودیم که وزارت امور خارجه افغانستان نیت کرده تا از سیاستمدار و مطبوعاتی نامدار کشور علامه محمود طرزی، نخستین وزیر امور خارجه افغانستان، امسال در یک همایش بین المللی تجلیل به عمل آورد. این تجلیل که مصادف با هشتاد و نهمین سالگرد استرداد استقلال کشور و در عین حال مصادف با هشتاد و نهمین سال پایه گذاری وزارت امور خارجه در افغانستان است، حقا که کارشایسته و درخور تمجید است و می بایستی به مبتکر آن یعنی جناب "سپنتا" تبریک و شادباش گفت.

طبعاً در این همایش، بر ابعاد مختلف شخصیت محمود طرزی، از دوران تبعید تا بازگشت به وطن، از کارهای مطبوعاتی تا فعالیتهای سیاسی و ایجاد جنبش مشروطیت دوم که منتج به استقلال سیاسی کشور گردید، دیگران بحث های مفصل و گسترده خواهند داشت، ولی من، به یک بخش ملموس و بسیار سرنوشت ساز زندگی علامه طرزی تماس گرفته ام و آن درسهای وطن پرستی او به روشنفکران و مشروطه طلبان است.

در سراج الاخبار افغانیه، این "صورسرافیل" محمود طرزی، در پهلوی مطالب متنوع اجتماعی و سیاسی و اخلاقی، آنچه که در لابلای صفحات آن جریده، چون ستاره فروزان میدرخشد، کلمه **وطن و حب وطن** و مکث بر آن کلمات و توضیح جنبه های مختلف معنی وطن و آزادی و حاکمیت ملی است.

از مطالعه سراج الاخبار واضح معلوم می شود که طرزی تمام خرد و تجربه و دانش و اطلاعات و آگاهی های خود را برای تجلی قدسیت وطن و حب وطن و دانستن قدر و قیمت وطن و حفظ و حراست وطن و تحریک حس وطن پرستی و حصول استقلال در جوانان افغان بکار برده است و تا میتوانست می نوشت و میگفت:

چو گشت حب وطن، جای در دل ملت عدو به لرزه فتد، میشود هلاک وطن
وطن به حب وطن قایمست و هم محفوظ که هست حب وطن تیر سهمناک وطن
ب حفظ و حب وطن لحظه مشو بیبیاک بنوش باده حب وطن ز تاک وطن

ز حق نیاز کند عاشق وطن محمود

که دشمنان وطن باد زیر خاک وطن

طرزی عقیده داشت که: "کسی که **وطن** خود را دوست دارد، **دین** خود را دوست دارد و کسی که دین خود را دوست دارد وطن خود را دوست دارد و وطن خود را گرامی میدارد. به نظر طرزی «ناسیونالیزم، اصلاحات اسلامی، عصری سازی، پان اسلامیزم و پان آسیانیزم و ضد امپریالیزم باید در اصلاحات قرار گیرد.» (۱)

مرحوم پوهاند حبیبی سپاسمندانانه خاطره وطن دوستی خود را اینطور یاد آوری میکند: پس از تأسیس اولین مدرسه در کندهار در سال ۱۳۰۱ شمسی که من در آن شامل و درس خواندم و باسواد شدم، برای نخستین مرتبه مفهوم **حب وطن** را من از نوشته های طرزی دریافتم و این احساس شریف تا کنون که ۷۵ ساله ام از آن هنگام در خاطر من باقی مانده که محمود گفته بود:

ای خاک پاک و ای وطن خوش زمین من معشوق من حبیب من و دل نشین من
شبها به یاد وصل تو، بی خواب مانده ام در روزها بفکر تو در تاب مانده ام
پس عشق تو چسان ز سر من بدر شود با شیراندرون شد و با جان بدر شود (۲)

تعداد صفحات: 1 از 4

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

maqalat@afghan-german.de

محمود طرزی، افزون بر اینکه روشنفکری آزاده بود، شاعر شیوا بیان و پراحساس زبان فارسی نیز بود. مثنوی عشق **وطن** او یکی از زیبا ترین اشعار میهنی اوست که خواندنش احساسات وطن دوستی را در آدمی بیدار و زنده میکند. توجه کنید به این چند بیت آن :

<p>با جسم و جان فدائی و دلدادۀ توام عشقت زبهر هر مرض من دوائ من مربوط کرده است بخود با هزار فن چون جسم و جان و رنگ و زبان شکل و هیئتم از تست و در تو بوده و در خاک تو بخت با شیر اندرون شد و با جان بدر شود میسوخت همچو شمع دل و جان عاشقت در روز ها بفکر تو در تاب مانده ام نیت برای خدمت و نفع تو بوده ام معشوق من، حبيب من و دل نشین من در حفظ و در ترقی و معموری و امان</p>	<p>ای خاک پاک، عاشق افتاده توام مجبور حب تست حواس و قوای من عشق وطن حواس و دل و جسم و جان من چون فطرت و نسب و قوم و ملت من چون آب و جد و جد و مادر ز هفت پشت پس عشق تو چسان ز سر من بدر شود؟ شد سال ها که داغ جدائی و فرقتت شب ها بیاد وصل تو بی خواب مانده ام هر علم و فن که خوانده و تحصیل کرده ام ای خاک پاک و ای وطن خوش زمین من مسعود باش و شاد بزی تا ابد بمان!</p>
---	---

رشک آور بلاد تمدن نشان شوی

در شرق همچو شمس درخشان عیان شوی

طرزی در تمامی اشعارش، وطن را فراموش نمی کند، ولو در وصف بهار یا مدح شاه گفته باشد. در شعر زیبایی که به اتفاقاً از قافیه سروده، در اشاره به امیراز وطن اینگونه وصف میکند :

<p>جهان جهان ریل شد، زمان زمان تارها چه کوه ها شگاف شد، گذشت از آن قطرها بس است صید بودنه، میان کشت زارها</p>	<p>بیا ببین که در جهان چگونه گشته کارها چه بحر ها که بر شد، چه خشک ها بحارها جهان جهان علم و فن، زمان زمان کارها</p>
---	--

<p>ز بحر راغ ملک خو، هوای باغ داردا برای ضبط ملکها چه در دماغ داردا! تو وقت را عبث مکن، به میله و شکارها</p>	<p>درین زمانه هر طرف، به فن سراغ داردا پی ترقی خودش، بکف چراغ داردا خورند روم و فرس را، بما بلاغ داردا</p>
--	--

<p>برای هرسعادتم وطن، برات من تویی برای دین وهم شرف، وطن همات من تویی محبتت بجان من، چو پودها به تارها</p>	<p>حیات را چه میکنم؟ وطن حیات من تویی اگر تو رفتی از کفم وطن ممات من تویی وطن تو کعبه منی، وطن صلوات من تویی</p>
--	--

و در جای دیگری طرزی میگوید : " وطن شجراست، ملت ثمر، وطن چشم است، ملت نظر، وطن مزرعه است، ملت محصول، وطن خزینه است، ملت نقود آن. پس چنانچه شجری ثمر، دیده بی نظر، کشتزار بی حاصل، خزینه بی معامل از نفع مبراست، کذالك وطن بی ملت و ملت بی وطن نیز از همه چیز معراست." (۳)

طرزی رساله بی نیز در مورد وطن و معنا و فلسفه وطن نگاشته و آنرا به عنوان هدیه سال ششم نشراتی سراج الاخبار در ۲۰ سرطان ۱۲۹۶ نشر و توزیع کرده است که بسیار آموزنده و سود مند است.

میزان وطن پرستی محمود طرزی را می توان از روی نوشته های او در مورد وطن و استقلال کشور بخوبی درک کرد، و به عظمت معنوی و شخصیت ملی و علمی آن فرزانه مرد فرهیخته پی برد و سراج الاخبار، آئینه تمام نمای وطن پرستی اوست. (۴)

طرزی ازین هم جلو تر می رود و مردم را به بیداری و حرکت به موقع فرا می خواند و در شماره ۱۶ جدی ۱۲۹۴ سراج الاخبار، تحت عنوان «**حی علی الفلاح**» مقالاتی شدید تنبیهی و ضد استعماری می نویسد که بلا وقفه از طرف دولت سانسور میگردد. در قسمتی از آن مقاله میخوانیم:

"حی علی الفلاح !

.... ای ملت نجیبه افغانیه! شرافت ملی، عظمت قومی خود را محافظت کنید! استقلال و حاکمیت دولتی خود راصیانت نمائید! افغان که به دیانت و دینداری، به شجاعت و بهادری، بغیرت و ناموس شعاری در تمام دنیا مشهور و معروف

شده باشد، آیا این را بر وجدان و ایمان و شرف و ناموس خود چسان گوارا کرده می تواند که نام حمایت و تابعیت دولت اجنبی غیر دین و غیر ملت براو باشد؟

حاشا! حاشا! کلاً کلاً! افغان به بسیار آسانی و خوشگواری مرگ را قبول کرده میتواند، ولی هیچگاه، به هیچ صورت قطعاً، قاطباً کلمات متعفنۀ معده بشور آورنده تابعیت و حمایت را هضم کرده نمی تواند، معنی صاف و صریح تابعیت و حمایت اینست که، یک دولتی بدیگر دولتی بگوید: بغیر از من، دیگری را نشناس! بغیر از من، بادیگر دولتی حرف مزین! بغیر از من با دیگر دولتی عقد معاهدات یا رابطه مناسبات و معاهدات مکن! بغیر از من، بدیگر دولتی نه سفیر بفرست و نه سفیر قبول کن! معنی صاف و صریح استقلال تامه و آزادی کلمه نیز اینست که، هر دولت در همه چیزهایی که در بالا مذکور گردید، مستقل و آزاد باشد... تا به حال هرچه که بود، بود! هرچه که شد، شد! لیکن بعد از این افغان آن نیست که از حقوق خود چشم پوشی بتواند....» (۵)

طرزی با چنین صراحت لهجه و نوشته های ضد استعماری خود، امیر را تکانه زد و امیر متوجه تحریک احساسات استقلال طلبی روشنفکران و مردم افغانستان گردید. بنابراین همین شماره سراج الاخبار را فوراً سانسور و خود طرزی را به پرداخت ۲۶ هزار روپیه جریمه محکوم نمود و اظهار داشت: «مرغی که بی وقت آذان دهد، سرش از بریدن است.» (۶) البته طرزی توان پرداخت این جریمه را نداشت و دامادش شاهزاده امان الله آن پول را از دارائی خود پرداخت.

مساعی صادقانه و وطن پرستانه محمود طرزی، این مرد فاضل و خرد مند پس از انتشار سراج الاخبار افغانیه، بزودی منتج به احیاء جنبش مشروطیت در کشور گردید. جنبشی که در ۱۹۰۹ تمام اعضای آن را بخون و زندان کشانید و قربانیان فراوانی در قبال داشت. هوشیاری و بیداری محمود طرزی در احیاء جنبش مشروطیت در این برجسته میگردد که او توانست هسته این جنبش را در درون خانواده سلطنتی ایجاد کند و حلقه اتصال آنرا از درون خانواده سلطنتی به درباریان تحول طلب و سپس دامنه آنرا به بیرون از دربار گسترش دهد. تلاش های میهن پرستانه این جنبش منتج به استقلال عام و تام کشور گردید. بر اثر اندیشه ها و ایده های محمود طرزی، افکار شاه امان الله و همه مشروطه طلبان بر محور ضدیت با انگلیس می چرخید و صدای استقلال و آزادی از تمام حنجره های افغانان از روشنفکر شهری تا کوچی و روستائی شنیده میشد.

محمود طرزی که حق استادی برگردن مشروطه خواهان دوم داشت، به حیث نخستین وزیر امور خارجه در نخستین حکومت مشروطه خواهان مقرر شد. و ریاست مذاکرات استرداد استقلال افغانستان (اپریل ۱۹۲۰) را در کوه میسوری هند و در (۱۹۲۱) در کابل بعهدہ داشت. او سفارتهای افغانی را در لندن و پاریس بنیان گذاشت و سیاست خارجی افغانستان را تدوین کرد و به شاگردان و دانشجویان خود آموخت، ولی متأسفانه که این مرد وطن پرست در فرجام آن همه خدمات، از طرف شورشیان هم میهن خود محکوم به اخراج از کشور گردید و سر انجام در استانبول ترکیه بسن ۶۸ سالگی در ۲۲ نومبر ۱۹۳۳ (۳۰ عقرب ۱۳۱۳ ش) در غربت چشم از جهان پوشید. **روانش شاد و یادش گرامی باد!**

دو پیشنهاد به وزارت امور خارجه افغانستان

پیشنهاد اول-

در دهه هشتاد قرن بیستم، خدمات فرهنگی- سیاسی محمود طرزی، مورد توجه رژیم برسر قدرت قرار گرفت و به پیشنهاد وزارت اطلاعات و فرهنگ لقب علمی "علامه" را به او دادند و پیوسته هر جا که از او نام می بردند، به نام علامه محمود طرزی نام برده میشد. بدون تردید یکی از مهمترین خدمات محمود طرزی برای وطن و هموطنانش، انتشار پیگیر و هدفمند سراج الاخبار افغانیه بود که انقلابی در مطبوعات و مسلک روزنامه نگاری کشور و از این طریق در اذهان و افکار جوانان و تحول طلبان و وطن پرستان برآه انداخت که نتیجه و ماحصلش، احیاء جنبش مشروطیت و استقلال کامل سیاسی کشور است.

پس بیجا نبود که قلم بدستان حق شناس و نویسندگان فرهیخته وزارت اطلاعات و فرهنگ وقت، خدمات فرهنگی و اجتماعی و تلاش های وطن پرستانه مطبوعاتی او را در راه بیداری ملت افغان و بخصوص جوانان و تحرک روشنفکران افغانستان، به دیده قدر نگریسته، او را **علامه محمود طرزی و پدر ژورنالیزم افغانستان** لقب دادند که تا سقوط رژیم دکتور نجیب الله این لقب رسمیت داشت.

من نمیدانم که اکنون آن لقب در پسوند نام این شخصیت خیر و میهن دوست کشور رسمیت دارد یا خیر؟ و اگر ندارد، چرا ندارد؟ زیرا که محمود طرزی، نه با سران آن رژیم پیوند قومی و اتنیکی داشت و نه پیوند فکری و ایدئولوژیک، اما آنها با تمام گرفتاریها و کاستیهای دولتمداری خود آن شخصیت را فراموش ننمودند و از او قدر شناسی کردند، آیا جای تعجب و تأثر نیست که در دوران پس از آن رژیم، بخصوص پس از طالبان که دوران دموکراسی و شکوفائی مطبوعات و رسانه های تصویری و اینترنت است و میبایستی بیشتر به فکر قدرشناسی رجال و شخصیت های نیک نام تاریخ کشور خود

باشيم، چنانکه در همين سال مرحوم کهزاد به لقب علامه مسما گرديد، ولی با دريغ که اين لقب را از آن فرهيخته مرد آزاديخواه وطن دوست گرفته اند؟ [کلمه علامه، از ريشه علم، به معنی بسيار دانشمند و بسيار عالم ميشود و معادل رتبه علمی اکادميسين فرانسوی است.] و محمود طرزی با ۳۱ اثر مستقل تالیف و ترجمه چاپ شده و چاپ نشده خود بدون شک یکی از دانشمندان کشور نیز بود.

گرچه اين لقب و اين عنوان، اکنون هیچ فايده و ثمره ای به حال مرحوم طرزی ندارد، اما برای افغانهای چيز فهم و فرزندان افغان اين فايده را دارد که می بينند در کشور عقب مانده شان، خوشبختانه هستند کسانی که شعور علمی و اجتماعی و اخلاقی و انسانی و وطنی شان تا اين درجه رشد کرده که خدمت گزاران صديق وطن را پاس میدارند و آنانی را که با آفرينش و ايجاد ارزش های علمی و اجتماعی و فرهنگی خویش، مصدر خدمات فراموش ناشدنی برای وطن خود شده اند، قدر میکنند و احترام میگذارند.

پيشنهادهای دوم

اکنون که وزارت امور خارجه، ابتکار عمل را به دست گرفته و از یک شخصیت برزنده کشور یعنی از نخستین وزیر امور خارجه افغانستان، خواسته در یک همایش بين المللی قدرشناسی کند، به نظر ما کار بسيار شايسته اين خواهد بود تا اين وزارت یک تصميم مبتکرانه ديگر هم بگيرد که علاوه بر برسميت شناختن لقب علامه برای محمود طرزی، عظام رميم آن عاشق ميهن و استقلال را همانند استاد فکری اش «سيدجمال الدين افغان» از کشور ترکیه با عزت تمام دوباره به وطنش انتقال دهند و در صحن وزارت خارجه در چمن قصرستور بخاک بسپارد، و برایش مقبره مناسبی بسازند تا لااقل وزرای خارجه کشور های متحابه هنگام تشریف آوری به وزارت خارجه افغانستان یک دسته گل برمقبره آن عاشق ميهن بگذارند. آن مرد وطن پرست تا دم مرگ وطن رافراموش ننمود و میگفت :

مرغ دلم زکوی تو دور است و روز و شب
فریاد میکند که خدایا وطن وطن!

بگذار علامه محمود طرزی، به حیث علم بردار نهضت مشروطیت و آزادی خواهی در ذهن و خاطر هموطنان حق شناس خود همواره زنده بماند و جوانان وطن کارنامه های او را سرمشق زندگی خود قرار بدهند.
یاد و خاطره این ميهن پرست شاز و احیاء گر جنبش استقلال طلبی در کشور، شاد و گرامی باد!

پایان سویدن - ۲۹ / ۷ / ۲۰۰۸

رویکردها:

- ۱ - ریاتالی ستیوارت، آتش در افغانستان، ترجمه نور محمد کوهسار کابلی، چاپ پشاور، ص ۲۰۳
- ۲ - پوهاند حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان، چاپ ۱۳۶۳ کابل، ص ۱۱۶
- ۳ - داکتر روان فرهادی، مقالات محمود طرزی در سراج الاخبار، ص ۲۸۲، ۳۳۴
- ۴ - کاندیدای اکادميسين سيستانی، علامه محمود طرزی، شاه امان الله و روحانیت منتفذ، چاپ ۲۰۰۴، پشاور، فصل اول
- ۵ - مقالات محمود طرزی در سراج الاخبار، ص ۳۷۷ - ۳۷۸
- ۶ - حبیبی، جنبش مشروطیت، ص ۸۲